

مخاطرات خشونت خانگی علیه زنان و راهکارهای پیشگیری از آن*

- نیوشا تقی‌زاده^۱
- حسین آقابابایی^۲
- محمدرضا نظری‌نژاد^۳

چکیده

خشونت خانگی یا سوءرفتار نسبت به زنان، به‌عنوان یک پدیده فراگیر در سراسر جهان، قربانیان را در معرض مخاطرات جدی قرار داده است. در مواجهه با خشونت خانگی، به‌دلیل عدم جرم‌انگاری گونه‌های مختلف این خشونت و یا عدم گزارش آن به‌دلیل وجود رابطه خانوادگی میان آزارگر و قربانی، راهکارهای

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶.

- این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه حقوق، گرایش جزا و جرم‌شناسی در دانشگاه گیلان است.
۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول)
(nioosha0@gmail.com).
 ۲. دانشیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
(aghababaei@guilan.ac.ir).
 ۳. استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
(m.nazarinejad@gmail.com).

قضایی پسینی، کارآمدی لازم را ندارند و بزه‌دیدگی ثانویه قربانیان را نیز رقم می‌زنند. از این رو، راهکارهای پیشینی حمایتی و پیشگیرانه موضوعیت می‌یابند. قربانیان بر اثر شکل‌های شدید خشونت خانگی دچار جراحات جسمی شده و در مواردی حیات خود را از دست می‌دهند. همچنین گاهی به دلیل فشارهای روانی ناشی از سوءرفتار، دست به واکنش‌های انفجالی مثل خودکشی یا شبه خودکشی می‌زنند. خشونت یا سوءرفتار جنسی در شکل‌های متنوع خود نیز مخاطراتی برای زنان در پی دارد. در لایحه جدید در حال بررسی در قوه مقننه ایران، با تقدیم اقدامات حمایتی و پیشگیرانه بر اقدامات کیفری، تلاش‌هایی برای انسجام‌بخشی و ایجاد پنجره واحد خدمات حمایتی برای زنان در دستور کار قرار گرفته که در این مقاله با عنوان حمایت اضطراری، حمایت مشارکتی و ترمیمی و حمایت اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. استفاده از تجربه‌های بین‌المللی و رفع چالش‌ها در تصویب این لایحه و اجرای سازوکارهای حمایتی و پیشگیرانه آن می‌تواند به کارآمدی سیاست جنایی در این زمینه و کاهش آسیب‌ها کمک کند.

واژگان کلیدی: خشونت خانگی، سوءرفتار با زنان، زنان بزه‌دیده، اقدامات پیشگیرانه، اقدامات حمایتی.

مقدمه

خشونت خانگی علیه زنان، یک پدیده جهانی است و با وجود تفاوت‌های فرهنگی و کلیشه‌های بومی در توصیف این موضوع^۱ و دلایل و زمینه‌های مختلف محیطی، فرهنگی و اجتماعی در عدم گزارش و پنهان ماندن این نوع خشونت (فیشر و لب، ۱۳۹۳: ۶۹۴/۱)،^۲ گزارش نهادهای تخصصی سازمان ملل حکایت از وجود درصد بالایی از کشف یا گزارش این خشونت در تمام نقاط جهان دارد.^۳ در ایران هرچند با توجه به جهات مورد اشاره، آمار سیاه این نوع خشونت درصد بالایی است، در پیمایش انجام‌شده از طرف سازمان ثبت احوال ایران در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ که با موضوع دلایل طلاق صورت

۱. برای مطالعه نقش کلیشه‌های فرهنگی در توصیف خشونت جنسی و تجاوز جنسی، ر.ک: زراعت‌پیشه، شیرینی ورنامخواستی و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۹: ۱۵۱-۱۷۷.

۲. برای مطالعه در خصوص چالش آمار سیاه و دلایل عدم گزارش بزه‌دیدگی، ر.ک: حسینی و مصطفی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۰۳-۱۲۹؛ میرکمالی و خادم‌الفرقا، ۱۳۹۳: ۱۸۹-۲۱۳.

3. Cf. WHO, "Violence against women prevalence estimates, 2018".

گرفته است،^۱ خشونت خانگی در صدر دلایل طلاق از طرف مصاحبه‌شوندگان ذکر نشده است؛ ولی «خلق و خوی نامطلوب»، پرتکرارترین دلیل طلاق عنوان شده که با توجه به دامنه مصداق‌های این عامل، که انواع خشونت‌های روانی، اذیت و آزار، تحقیر، سوءظن و...^۲ را در بر می‌گیرد، می‌توان گفت که خشونت خانگی به ویژه از نوع روانی آن، در صدر دلایلی است که زنان ایرانی برای طلاق عنوان کرده‌اند.^۳ خشونت علیه زنان و خشونت خانگی در اسناد مختلف بین‌المللی به دلیل اهمیت بالای موضوع مورد توجه قرار گرفته‌اند. در ماده ۱ اعلامیه حذف خشونت علیه زنان،^۴ خشونت علیه زنان به هر نوع خشونت مبتنی بر جنسیت برمی‌گردد که به آسیب فیزیکی، جنسی یا روانی منجر می‌شود یا احتمال دارد که منجر شود و شامل تهدید به این اعمال، اجبار یا سلب آزادی از زنان بوده که ممکن است در ملاء عام یا در زندگی خصوصی رخ دهد (Cf. Walby et al., 2017: 59). همچنین در بند الف ماده ۲ این اعلامیه نیز خشونت خانگی که از زیرمجموعه‌های خشونت علیه زنان می‌باشد، شامل خشونت جسمی، جنسی و روانی است که در خانواده انجام می‌شود. کتک زدن، سوءاستفاده جنسی از کودکان مؤنث خانواده، خشونت مرتبط با جهیزیه، برقراری رابطه جنسی اجباری در زندگی زناشویی، ختنه زنان و سایر روش‌های سنتی زیانبار برای زنان، خشونت در خارج از چارچوب ازدواج و خشونت ناشی از بهره‌کشی، در این دسته جای می‌گیرند (UN, 1993). در حقوق ایران، قانون یا مقرره‌ای که به صورت خاص و متناسب با ادبیات موجود در کنوانسیون‌های بین‌المللی یا حقوق برخی کشورهای پیشرو در این زمینه به بحث خشونت علیه زنان پرداخته باشد، وجود نداشته و متناسب با دیدگاه‌های فقهی و رویه‌های

1. <https://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset99/PMET_W01_1_D7.pdf>.

۲. در قانون منع خشونت علیه زنان افغانستان، این موارد به عنوان مصداق خشونت روانی ذکر شده‌اند: دشنام، تحقیر و تخویف؛ مجبور نمودن به خودسوزی، خودکشی یا استعمال مواد مضر؛ ازدواج با بیش از یک زن بدون در نظر گرفتن تأمین عدالت بین زوجه‌ها، کفایت مالی و مصلحت مشروع؛ انزوای اجباری، یعنی ممانعت از دید و بازدید با محارم شرعی (رضوانی، مهدوی‌پور و منیب، ۱۳۹۹: ۳۵۴).

۳. مطالعات دیگری در این خصوص هم فراوانی خشونت روانی در ایران را تأیید می‌کنند (جعفری و پروین، ۱۴۰۱: ۱). در برخی تحقیقات، خشونت کلامی در کنار خشونت روانی بیشترین فراوانی را دارد (ر.ک: صادقی، ویژه و زنجری، ۱۳۹۸: ۵۸).

4. Declaration on the Elimination of Violence Against Women (DEVAW).

قانونی موجود، حمایت‌های حقوقی و کیفری در موارد سوءرفتار نسبت به زنان به صورت کلی و یا زن/همسر به صورت خاص وجود داشته^۱ که عدم کفایت آن‌ها در مقابله با مخاطرات یا سوءرفتار نسبت به زنان و عدم توجه به جایگاه و اولویت اقدامات حمایتی و پیشگیرانه در این خصوص، سیاستگذار را متقاعد به اصلاح رویکرد سیاست جنایی در این زمینه نمود که حاصل آن ارائه لایحه‌ای با عنوان «لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» بوده که در تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۳۰ در قوه مقننه اعلام وصول شده است.^۲ ملاحظه آخرین وضعیت این لایحه در سامانه مرکز پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این لایحه با تغییر عنوان به «لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار» (زین پس لایحه جدید)، به عنوان لایحه یک‌فوریتی به تصویب کمیسیون اجتماعی رسیده، ولی هنوز در صحن علنی مطرح نشده است. برابر گزارش مرکز پژوهش‌ها، از نکات بارز این لایحه، «پیش‌بینی یک نظام پیشگیرانه و توجه به مداخلات اجتماعی برای حمایت از زنان آسیب‌دیده و نیز جرم‌انگاری برخی رفتارهای آسیب‌زا نسبت به آنان است».^۳

از نظر ادبیات موجود در حوزه موضوع، پژوهش‌های ارزشمندی صورت گرفته است؛ از جمله: «عدالت ترمیمی؛ واکنشی مناسب در حمایت از آسیب‌های روانی و جسمانی بزه‌دیده خشونت خانگی» (یک‌رنگی و شیروی، ۱۳۹۰)؛ «پیش‌بینی خشونت‌های خانگی علیه زنان و راهکارهای اتخاذی بر مبنای آن» (غلامی و برزگر، ۱۳۹۶)؛ «حمایت از بزه‌دیده خشونت جنسی خانگی در نظام عدالت کیفری ایران» (آذری و بابازاده، ۱۳۹۸)؛

۱. در این خصوص می‌توان به اصل ۲۱ قانون اساسی، ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی ایران، ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی تعزیرات (۱۳۷۵)، تبصره ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) و مواد ۴۲ و ۶۶ قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲ اشاره کرد.

۲. شایان ذکر اینکه این لایحه از زمان طرح اولیه تا زمان اعلام وصول در مجلس شورای اسلامی، یک دوره ۱۰ ساله را از سر گذرانده است که طولانی شدن بررسی این لایحه به جهت ماهیت چندوجهی آن، نشان از ناکارآمدی سازوکارهای تقنینی در کشور و به طور خاص ناکارآمدی شورای عالی پیشگیری از جرم در این زمینه است.

۳. این گزارش در تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۰ توسط این مرکز با عنوان نظریه کارشناسی درباره لایحه مذکور، توسط دفتر مطالعات حقوقی تهیه و در وبگاه مرکز پژوهش‌ها در دسترس است (https://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/show/1660075).

«خانه‌های امن به مثابه درمانگاه زنان خشونت‌دیده خانگی» (رضوانی و غنی‌زاده بافقی، ۱۳۹۸)؛ «پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان از منظر آموزه‌های اسلامی و چالش‌های فرارو» (آقابابایی و موسوی، ۱۳۹۱)؛ «حمایت حقوقی از زنان در برابر خشونت خانگی» (رحمتی‌فر، ۱۴۰۱). این نمونه‌ها هر کدام به تناسب موضوع خود، به شکل موردی برخی آسیب‌ها و بزه‌دیدگی زنان و راهکارهای مواجهه با آن را بررسی کرده‌اند. علاوه بر این، با همت پژوهشگران علوم جنایی در ایران، ادبیات مرتبط با پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی در سال‌های اخیر گسترش قابل توجهی یافته است که از آن جمله می‌توان به مجموعه ارزشمند *دایرةالمعارف علوم جنایی* (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰-۱۳۹۴)، *دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد* (ولش و فارینگتون، ۱۳۹۴) و *دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم* (فیشر و لب، ۱۳۹۳) و تألیفات دیگری در این زمینه اشاره کرد.

در جستار پیش رو، مخاطرات خشونت‌های خانگی علیه زنان و دامنه این مخاطرات و اثرگذاری آن‌ها بر روی زندگی بزه‌دیده و سایر بزه‌دیدگان احتمالی مثل فرزندان مورد بررسی قرار گرفته است. جدی بودن این مخاطرات، لزوم توجه به مداخلات مختلف پیشگیرانه را به دنبال دارد. با عنایت به بی‌نتیجه بودن مراجعه قربانیان خشونت خانگی به سیستم عدالت کیفری، به دلایلی مانند به‌رسمیت شناخته نشدن گونه‌های مختلف خشونت خانگی، تفسیر مردسالارانه قوانین و مقصر دانستن زن و بزه‌دیدگی ثانویه زن آزاردیده، پیوند خانوادگی با آزارگر و برانگیخته شدن حس انتقام‌جویی آزارگر و تکرار بزه‌دیدگی (Bayat & Moazami, 2022: 71)، بحث اصلی مقاله این است که آیا می‌توان راهکارها و مداخلات حمایتی و پیشگیرانه را جایگزین راهکارهای قضایی نمود و میزان مخاطرات علیه بزه‌دیدگان خشونت‌های خانگی و فرزندان آنان را به حداقل ممکن رساند؟ در این مسیر، کدام راهکار حمایتی و پیشگیرانه در نظام حقوقی جاری ایران و اقدامات تقنینی در حال تصویب، برای تحقق حقوق بزه‌دیده قابل اجراست؟ راهکارهای غیرقضایی و ظرفیت‌های خارج از سیستم عدالت کیفری رسمی، شامل الگوهای حمایتی خدماتی، مداخله‌های مبتنی بر عدالت ترمیمی، توانمندسازی اقتصادی و مداخله‌های فرهنگی است. از این جهت پس از بررسی مخاطرات بزه‌دیدگی قربانیان خشونت خانگی، مداخله‌های گوناگون حمایت‌محور شامل ارائه خدمات

از سوی خانه‌های امن و سامانه‌های هوشمند اضطراری، مداخله‌های مشارکتی بر مبنای عدالت ترمیمی شامل میانجیگری، نشست‌های ترمیمی و حلقه‌های صلح، مداخله‌های اقتصادی و مداخله‌های فرهنگی مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۱. مخاطرات بزه‌دیدگی قربانیان خشونت خانگی

قربانیان خشونت خانگی در معرض مخاطرات جدی علیه سلامت جسمانی و روانی قرار می‌گیرند. این مخاطرات علاوه بر قربانیان مستقیم خشونت یعنی زنان، می‌تواند قربانیان غیرمستقیمی هم داشته باشد که در غالب اوقات کودکان هستند. بسیاری از موارد خشونت خانگی گزارش نمی‌شوند و در موارد مراجعه قربانیان به سیستم عدالت کیفری به دلیل عدم دریافت پاسخ‌های کارآمد و بازدارنده، نتیجه این می‌شود که قربانی به آزارگر خود وابسته بوده و به سوی او برگردد. بازگشت به سوی آزارگر نیز زندگی مقرون با انواع خشونت‌های جسمی و روانی را به قربانی تحمیل می‌کند و منجر به تکرار خشونت می‌شود. تکرار خشونت می‌تواند پیامدها و مخاطرات جدی با خود به همراه داشته باشد که ضرب و جرح و قتل‌های خانگی، خودکشی قربانی، حاملگی اجباری و مخاطرات مربوط به دوران بارداری و در معرض خطر قرار گرفتن فرزندان، از مهم‌ترین موارد آن هستند.

۱-۱. خشونت / سوء رفتار فیزیکی

بیشتر قربانیان خشونت‌های خانگی، در معرض انواع جراحات و آسیب‌های فیزیکی قرار دارند. رایج‌ترین نوع خشونت جسمی در پرونده‌های خشونت خانگی، کتک زدن است. خشونت فیزیکی نسبت به قربانی ممکن است با آلات و ادوات مختلفی مثل چاقو، کمر بند، وسایل خانه، ته‌سیگار و... اعمال شود. شدت جراحات وارده به قربانی نیز می‌تواند خفیف یا گاهی آن‌چنان عمیق باشد که منجر به مرگ قربانی شود.^۱ مطالعه مروری پیمایش‌های انجام‌شده در ایران در زمینه خشونت خانگی در یک بازه ۱۱ ساله (۱۳۸۹-۱۴۰۰) حاکی از آن است که در برخی مناطق ایران، خشونت فیزیکی علیه زنان

۱. طبق آمارهای منتشرشده از سوی سازمان ملل متحد، ۴۷۰۰۰ زن در سال ۲۰۲۰ توسط شرکای زندگی و اعضای خانواده خود به قتل رسیده‌اند (UNODC, 2021: 1).

به صورت ضرب و جرح، شکستگی یا سوختگی با استفاده از جسم سخت، در صدر انواع خشونت (کردی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۹)، و در بیشتر مناطق، این نوع خشونت در ردیف دوم قرار دارد (جعفری و پروین، ۱۴۰۱: ۲۷۲).

گزارش‌های متنوعی از وقوع همسرکشی در ایران با انگیزه‌های ناموسی منتشر شده که به شکنجه‌آورترین شکل ممکن، رخ داده است.^۱ طبق یکی از پژوهش‌های داخلی در زمینه همسرکشی، ۵۳ درصد از قتل‌های صورت گرفته توسط مردان بدون قصد قبلی و به شکل آنی و ۴۷ درصد دیگر هم با سبق تصمیم انجام شده است. ۸۵/۳ درصد از قتل‌های مربوط به همسرکشی نیز در منزل مشترک زوجین رخ داده است (قاضی‌نژاد و عباسیان، ۱۳۹۰: ۹۹). مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که قتل یا سایر صدمات جسمانی که به بهانه‌های مختلف توسط آزارگر خانگی نسبت به قربانی اتفاق می‌افتد، می‌تواند ریشه در مسائل گوناگونی از جمله شغل، سطح سواد و آموزش داشته باشد (کردی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۶) که در این بین نمی‌توان ناکارآمدی مقررات کیفری و بازدارنده در مواجهه با آزارهای خانگی و عدم حمایت کافی از قربانی را نادیده گرفت؛ امری که موجب می‌شود قربانی، مخاطرات زندگی با آزارگر و تکرار خشونت از جانب او را بپذیرد یا دست به اقدام دیگری بزند که به شکل دیگری خشونت علیه وی تشدید شود. در ماده ۲۸ لایحه جدید، سیاستگذار با عبارت «هرکس با سوءاستفاده از جنسیت یا موقعیت آسیب‌پذیر زنان، مرتکب هریک از جرایم... شود»، تلاش کرده علاوه بر حمایت‌های حقوقی / کیفری موجود، هرگونه ضرب و جرح و آسیب را که مبتنی بر جنسیت یا موقعیت آسیب‌پذیر زنان باشد، با پاسخ کیفری مشدد مواجه نماید. البته این رویکرد در تبصره ماده ۴۱ این لایحه که اشاره به حکم مندرج در تبصره ماده ۵۵۱ ق.م.ا. ۱۳۹۲ دارد،^۲ با چالش مواجه شده و با توجه به تعبیر لایحه «به تفاضل دیه در قتل» و تعبیر تبصره قانون مذکور به «کلیه جنایات»، عملاً برخلاف جهت مقصود حرکت کرده و حمایت را

۱. قتل خانم مونا حیدری توسط همسرش و گرداندن سر بریده وی در یکی از میدان‌های شهر اهواز، یکی از جدیدترین موارد در ایران است که انعکاس رسانه‌ای گسترده‌ای در جهان داشت (نقل از رسانه‌های مختلف در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۴۰۰).

۲. در کلیه جنایاتی که مجنی علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد، از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود.

کاهش داده است. این موضوع از نظر کارشناسان مرکز مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌ها مخفی نمانده^۱ و این ایراد را جهت اصلاح تذکر داده‌اند که امید است در بررسی نهایی لایحه، مورد توجه و اصلاح قرار گیرد.

۲-۱ خشونت / سوء رفتار روانی

مطالعات مختلف در مورد شیوه‌های خشونت خانگی، حاکی از آن است که خشونت روانی، فراوانی نسبتاً زیادی در میان گونه‌های آن دارد (جعفری و پروین، ۱۴۰۱: ۲۷۲) و به تبع می‌تواند آثار جبران‌ناپذیری بر روی سلامت روانی فرد قربانی بگذارد. با این حال، آسیب‌های روانی ناشی از خشونت خانگی، به میزانی که لازم است مورد توجه قرار نگرفته‌اند. فردی که از جانب همسر آزارگر خود، انواع آسیب‌های جسمی و جنسی را تحمل کرده، مسلماً آلام او محدود به خراش‌ها و کبودی‌های جسمش نیست. بلکه این فرد که از پناه بردن به خانواده، سیستم عدالت کیفری و... ناامید شده و تکرار خشونت از جانب قربانی را به ناچار می‌پذیرد، تحت فشارهای عمیق روانی قرار دارد. فشارهای روانی می‌تواند به بروز رفتارهای ناگهانی و خطرناک از سوی فرد قربانی به شکل آسیب به دیگران و در بسیاری از موارد آسیب به خود منجر شود.

در یکی از پیمایش‌هایی که پیرامون بررسی رابطه همسرآزاری با تمایل به افکار خودکشی صورت گرفته است، همبستگی معناداری میان اعمال خشونت فیزیکی با افکار خودکشی وجود ندارد. اما این پژوهش، همبستگی معناداری را در رابطه میان خشونت روانی و افکار خودکشی نشان می‌دهد. نتایج این پژوهش، اثرگذاری خشونت‌های روانی نسبت به قربانیان را بیشتر از خشونت‌های جسمی نشان می‌دهد (خسروی و خاقانی‌فرد، ۱۳۸۳: ۱۱۰). از این جهت، خشونت‌های خاموش به مراتب خطرناک‌تر از زخم‌های جسمی هستند و روح قربانی را استثمار کرده‌اند.

بنابراین مجموعه‌ای از فشارهای روانی و افکار منفی فرد قربانی، او را آسیب‌پذیرتر می‌کنند و کم‌کم فرد قربانی به این باور می‌رسد که طرد شده و به همین جهت ممکن است به دنبال راهی برای آسیب زدن به خود باشد تا بتواند دیگران را تحت تأثیر قرار

1. Cf. <https://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/show/1660075>.

دهد. خودکشی‌ها در موارد زیادی برای جلب توجه و ترحم همسر انجام می‌شوند. انبوه افکار منفی و فشارهای ناشی از خشونت‌های مختلف جسمی، جنسی، روانی و...، قدرت تفکر منطقی را از قربانی می‌گیرند و به افکار خطرناکی مثل خودکشی قوت می‌بخشند. چنین افرادی معمولاً تنها راه نجات خود از وضعیت درگیر در آن را مرگ می‌دانند و به همین جهت به زندگی خود پایان می‌دهند (رضایی، خدادادی و میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۳۳). البته نباید این گونه برداشت کرد که همیشه خودکشی برای جلب توجه توسط قربانی انجام می‌شود. مسلماً فرد قربانی که از خشونت آزارگر به ستوه آمده است، هیچ راهی برای نجات خود پیدا نمی‌کند و به دلیل عدم تاب‌آوری کافی برای ادامه زندگی در آن شرایط، مرگ را ترجیح می‌دهد.

در مواردی، واکنش انفعالی فرد آزاردیده جسمی، روانی یا جنسی به گونه‌ای است که می‌توان از آن به شبه خودکشی تعبیر کرد؛ برای مثال ممکن است زنی که از انواع خشونت خانگی و در نتیجه نفرت از همسر متأثر است، با از دست دادن کرامت و عزت نفس خود، ناچار به ارتباط با دیگران خارج از عرف و تعهدات خانوادگی یا ترک منزل مشترک یا گرفتار شدن در چنگال باندهای جنایتکار قاچاق انسان و... شود که نتیجه این رفتارها، به مخاطره افتادن جان و سلامتی فرد و چه بسا کشته شدن به دست همسر و یا دیگران باشد که برابر برخی قوانین و مقررات، قتل زن در این موارد توسط همسر آزارگر و عامل اصلی این بزه‌دیدگی مضاعف، با عناوینی مانند قتل در فراس یا زنای محصنه، مباح تلقی و این گونه قلمداد می‌شود که زن شرایط قتل خود را تسهیل کرده است.^۱

یکی از نکات مثبت لایحه جدید، توجه هرچند دیر هنگام سیاستگذار جنایی به آسیب / خشونت / سوءرفتار روانی نسبت به زنان است. در ماده ۱ لایحه جدید، «آسیب به روان و حیثیت» بلافاصله بعد از آسیب به جسم مورد توجه قرار گرفته و در تبصره ۲ همین ماده، «هرگونه فعل یا ترک فعل مجرمانه در این قانون یا قوانین مربوط

۱. در قتل خانم مونا حیدری، برابر آنچه در جزئیات حادثه و به نقل از خانواده وی بیان شده، ترک منزل مشترک و خروج از کشور و ارتباط با فردی دیگر و باج‌خواهی آن فرد از خانواده بابت رهایی وی، عملاً شرایط را به گونه‌ای رقم زد که همسر نامبرده بعد از مراجعت وی به کشور، او را به قتل رساند (<https://www.imna.ir/news/554181>).

که موجب آسیب... شود، سوءرفتار خوانده شده است». در ماده ۳ با عنوان تدابیر حمایتی به «درمان و روان‌درمانگری» اشاره شده و در ماده ۳۰ به ارسال بدون رضایت و برخلاف تمایل پیام، تصویر یا نماد مستهجن یا مبتذل برای زن که نوعاً موجب آزار روحی می‌شود، اشاره گردیده است. در ماده ۳۲ «پیشنهاد برقراری رابطه جنسی نامشروع با زن» جرم‌انگاری شده و در ماده ۳۳ «هرگاه زوج، همسر خود را از محل زندگی مشترک بیرون کند یا به نحوی از ورود وی به منزل جلوگیری کند»، جرم‌انگاری شده و در ماده ۳۳ وادار کردن زنان به رفتارهایی مانند «خون‌بس، اکراه به ازدواج یا وادار کردن به درخواست طلاق» و در ماده ۳۹ «طرح سؤال یا تحقیقاتی غیر مرتبط با اتهامات توسط ضابطان یا مقامات قضایی» جرم‌انگاری شده است. در مجموع به نظر می‌رسد قانونگذار به اثرات تخریبی سوءرفتارهای روانی نسبت به زنان تا حدی توجه دارد، هرچند صرف جرم‌انگاری این رفتارها مشکلی را حل نمی‌کند، ولی از این منظر که سوءرفتار روانی، همسان با سوءرفتار فیزیکی مورد توجه است، رویکرد مثبتی است.

۱-۳. خشونت / سوءرفتار جنسی

یکی دیگر از جنبه‌های خشونت یا سوءرفتار نسبت به زنان، حوزه روابط جنسی و زناشویی است که می‌تواند منجر به مخاطرات فیزیکی یا روانی برای زن شود؛ ولی به دلیل اهمیت آن، به صورت مستقل اشاره می‌شود. در این زمینه می‌توان به روابط جنسی نامتعارف و آزاردهنده، حاملگی اجباری، سقط جنین، زایمان زودرس و... اشاره نمود. روابط جنسی نامتعارف، مصادیقی گسترده دارد که ممکن است از نظر زمان، مکان یا شیوه، مورد رضایت زن نباشد، یا اینکه زوج پیشنهاد رابطه جنسی همسر خود خارج از عرف و اخلاق با دیگران دارد یا اینکه خود بدون رعایت کرامت و شخصیت زن با دیگران ارتباط جنسی برقرار می‌کند. حاملگی اجباری می‌تواند در نتیجه اعمال خشونت جنسی نسبت به همسر باشد.^۱ برخی اسناد بین‌المللی با تأکید بر اینکه رابطه زوجیت نباید عاملی برای توجیه خشونت جنسی باشد، از کشورها

۱. خشونت جنسی عبارت است از هرگونه کنش، رفتار یا اظهارنظر جنسی یا شروع به آن یا هرگونه اقدام علیه جنسیت یک شخص برخلاف رضایت وی، توسط هر فردی صرف‌نظر از رابطه او با قربانی، در هر مکانی اعم از خانه، محیط کار و... (WHO, 2016: 1).

خواسته‌اند با مداخلهٔ کیفری در راستای حذف یا کاهش این خشونت گام بردارند (UN, 2010). در دوران بارداری، زنان تحت خشونت جنسی به دلیل شرایط جسمی خاصی که دارند، بیشتر در معرض آسیب قرار می‌گیرند. خشونت خانگی در دوران بارداری، هم برای مادر و هم برای جنین بسیار خطرناک است. این امر در مواردی می‌تواند با خطر خونریزی، زایمان زودرس و حتی سقط جنین همراه باشد.

طبق برخی پژوهش‌ها، سقط جنین از مهم‌ترین پیامدهای خشونت خانگی به شمار می‌رود که ممکن است به دو شکل خودبه‌خود یا عمدی صورت پذیرد. در مطالعاتی که استوکی^۱ و همکاران سال ۲۰۱۲ بر روی ۲۴۰۰۰ زن انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که خشونت شریک جنسی، اثر مستقیم بر روی سقط جنین دارد. مطالعات دیگری از جانب کایا^۲ و همکاران در سال ۲۰۰۶ در این زمینه انجام شد که مؤید همین نتیجه است. خشونت خانگی نسبت به زنان باردار ممکن است باعث زایمان زودرس شود که می‌توان آن را عامل بیش از ۹۰ درصد مرگ نوزادان پس از تولد دانست (گلمکانی و آموزده، ۱۳۹۱: ۱۶). البته مخاطرات خشونت خانگی نسبت به زنان باردار ممکن است پس از زایمان، دامنگیر نوزادان تازه‌متولد هم بشود.

علاوه بر این، زنانی که تحت خشونت‌های کلامی و روانی قرار دارند، احتمال کم‌وزنی نوزادان آن‌ها حین تولد افزایش می‌یابد. در واقع، انقباض عروقی که به دنبال خشونت به‌جهت فعال شدن هیپوفیز، آدرنال و سمپاتیک رخ می‌دهد، می‌تواند باعث محدودیت رشد داخل رحمی و کم‌وزنی حین تولد شود (باهری، ضیایی و ضیغمی محمدی، ۱۳۹۱: ۱۴۳). تجربه خشونت خانگی در دوران بارداری ممکن است بر روی شیردهی مادر هم تأثیر بگذارد. مطالعات نشان می‌دهند که احتمال شروع شیردهی زنان تحت خشونت خانگی پس از زایمان از سایرین کمتر است (شمسی و بیاتی، ۱۳۹۰: ۶۸). بنابراین خشونت در دوران پرتنش بارداری، از مخاطرات جدی و رایجی است که سلامت مادر، جنین و نوزاد تازه‌متولد را تهدید می‌کند. این در حالی است که نظام پاسخ‌دهی مناسبی از منظر کیفری و قضایی برای مواجهه با این آسیب‌ها نهاده نشده و طبعاً راهکارهای

1. Stöckl.

2. Kaye.

پیشگیرانه و ترمیمی می‌تواند ضعف نظام قضایی را در این زمینه جبران کند.

با وجود اهمیتی که دوران بارداری و سلامت مادر و کودک در آموزه‌های اسلامی و مقررات عرفی دارد، همچنین لزوم توجه به شرایط فیزیکی و روانی و بهداشتی زن برای رابطه جنسی و بحث فرزندآوری یا پیشگیری از آن، که اتفاقاً از مصادیق مهم سوءرفتار نسبت به زن در کانون خانواده است، لایحه جدید به این موضوعات مهم بی‌توجه بوده و فقط در ماده ۳۷، «تشویق، ترغیب، تحریک یا تطمیع یا اکراه به سقط جنین» را جرم دانسته که به نظر می‌رسد بیش از آنکه به حمایت از زنان و دوران بارداری توجه داشته باشد، به سیاست افزایش جمعیت توجه دارد! در لایحه ارسالی از طرف دولت در سال ۱۳۹۹ در ماده ۴۲ آمده بود:

«الزام همسر به تمکین نامشروع جرم است و مرتکب به یکی از مجازات‌های درجه هفت محکوم می‌شود».

به نظر می‌رسد نویسندگان لایحه در این ماده قصد داشته‌اند با توجه به واقعیات اجتماعی و همگام با تحولات حقوق کیفری و ارزش نهادن به شخصیت و کرامت زن (همسر)، خشونت جنسی نسبت به همسر را جرم‌انگاری کنند که به‌دلیلی نامشخص، این ماده در نسخه نهایی مصوب کمیسیون اجتماعی مجلس حذف شده است.

۲. راهکارهای پیشگیری از خشونت خانگی

با توجه به مباحث مورد اشاره در گفتار قبل می‌توان گفت که از یکسو نظام عدالت کیفری، ظرفیت و توانایی مقابله با گونه‌های مختلف خشونت خانگی را ندارد و با مراجعه به سیستم عدالت کیفری در پرونده‌های مربوط به خشونت‌های خانگی و آپارتمانی به‌دلیل عدم وجود قوانین مرتبط و پاسخ‌های کافی، احتمال بزه‌دیدگی ثانویه قربانیان افزایش پیدا می‌کند و از سوی دیگر، توسل به عدالت کیفری و اهرم‌های آن ممکن است خشم آزارگر را تشدید کرده و تکرار خشونت به شکل فزاینده‌ای نسبت به قربانی اعمال شود. از این رو، مداخله‌های پیشگیرانه خارج از سیستم عدالت کیفری در مواجهه با این آسیب موضوعیت می‌یابند.

شایان ذکر اینکه پیشنهاد استفاده از راهکارهای پیشگیرانه به معنای الغاء یا بی‌اثر کردن

سازوکار کیفری در مقابله با این آسیب نیست؛ بلکه به معنای به کارگیری ظرفیت‌های مختلف سیاست جنایی به منظور پیشگیری از وقوع خشونت خانگی و کاهش مخاطرات با هزینه کمتر است. در لایحه مورد بحث نیز سیاستگذار با وجود پیش‌بینی یا تقویت سازوکارهای کیفری برای مواجهه با سوءرفتار نسبت به زنان، در عنوان و محتوا تلاش کرده سازوکارهای حمایتی و پیشگیرانه را بر اقدامات کیفری ترجیح دهد. در عین حال ناگفته نماند که تفکیک اقدامات «حمایتی» و «پیشگیرانه» که در مواد ۲ و ۳ لایحه مطرح شده‌اند، از نظر ادبیات بحث در حوزه جرم‌شناسی و علوم اجتماعی، معنای محصلی ندارد و در لایحه هم معیار خاصی برای این تفکیک ذکر نشده است. در این گفتار، راهکارهای پیشگیرانه مقابله با خشونت خانگی در دسته‌بندی‌های کلی به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۲. ارائه خدمات اضطراری

به کارگیری راهکارهای پیشگیرانه و مداخله‌های مرتبط با خشونت‌های خانگی می‌تواند بر محور ارائه خدمات اضطراری و فوری به بزه‌دیده باشد. این مداخله‌ها می‌توانند از طرف نهادهای حمایتی دولتی یا بخش خصوصی سازماندهی شوند و ضمن اینکه از فردی که به دلیل شرایط نابرابر درگیر در آن، احساس بی‌کسی و بی‌پناهی دارد، حمایت و از تأثیرات نامطلوب خشونت پیشگیری می‌کنند، از گسیل شدن شکایت‌های بی‌فرجام اعلام خشونت به مراجع انتظامی و قضایی هم جلوگیری می‌نمایند. با توجه به تجارب بین‌المللی، این خدمات به دو صورت زیر قابل ارائه هستند.

۱-۱-۲. سامانه‌های هوشمند اعلام خشونت

در ایران، سامانه تلفنی در دسترسی که اکثر مردم در مواقع مواجهه با حادثه، جرم یا خطر بزه‌دیدگی با آن تماس می‌گیرند، سامانه پلیس ۱۱۰ است. اما با توجه به حوزه گسترده وظایف پلیس و تراکم بالای تماس‌های دریافتی این سامانه، شایسته است با توجه به امکانات و زیرساخت‌های ارتباطی و بدون اینکه کاربران دریافت‌کننده تماس درصدد فرافکنی و سرگردان کردن متقاضی کمک فوری در زمینه خشونت خانگی باشند، تماس وی را به سامانه تلفنی اعلام خشونت خانگی منتقل نمایند.

سامانه تلفنی فعالِ اعلامِ خشونت در ایران^۱ سامانه ۱۲۳ «اورژانس اجتماعی» است که از سال ۱۳۷۷ با راهبری سازمان بهزیستی کشور راه‌اندازی شده و به طیف مختلفی از افراد تحت خشونت از جمله کودکان و زنان تحت آزار، دختران در معرض خطر، زوج‌های دارای اختلافات خانوادگی، کودکان کار و کودکان خیابانی و قربانیان خشونت خانگی خدمات می‌دهد. اما ایراد وارد به این سامانه آن است که در صفحه اصلی یا سایر صفحات وبگاه سازمان بهزیستی معرفی نشده و هیچ گزارش رسمی درباره میزان تماس‌ها یا اثربخشی مداخله‌های آن در دسترس نیست.^۲ علاوه بر اینکه تماس افراد با سامانه پلیس ۱۱۰ یا سایر سامانه‌های درخواست کمک فوری به صورت خودکار به این سامانه منتقل نمی‌شود که به دلیل عدم اطلاع‌رسانی لازم و بی‌اطلاعی متقاضیان کمک از این سامانه، کارآمدی آن کاهش می‌یابد. شاید بتوان گفت که پیشنهاد ایجاد «پنجره واحد ارائه خدمات حمایتی هوشمند و توانمندسازی افراد آسیب‌دیده یا در معرض آسیب موضوع این قانون» در ماده ۲۰ لایحه، تا حدی به دغدغه مورد اشاره در این بند توجه دارد.

۲-۱-۲. ارائه خدمات در خانه‌های امن

زنجیره خدمات اورژانسی به کسانی که در معرض خشونت خانگی یا تکرار و تشدید آن هستند، با ارائه خدمت در خانه‌های امن تداوم می‌یابد. با تشخیص مددکاران، کسانی که موفق به تماس با اورژانس اجتماعی شده و وضعیت خود را گزارش کرده‌اند، به صورت فوری به این خانه‌ها منتقل شده و ضمن برخورداری از سرپناهی ایمن، خدمات مختلفی شامل خوراک، پوشاک، خدمات پزشکی، روان‌شناسی، مهارت‌آموزی و امور آموزشی، خدمات حقوقی، نگهداری کودکان و... دریافت می‌کنند. برابر اطلاعات مندرج در وبگاه رسمی سازمان بهزیستی،^۳ شروع به کار این خانه‌ها

۱. در خارج از ایران، در برخی کشورها از سامانه تلفنی ۹۱۱ پلیس در مواقع اورژانسی استفاده می‌شود که این سامانه هم طیف وسیعی از گزارش‌های مربوط به خشونت خانگی را دریافت می‌کند. در دوران پاندمی کووید ۱۹ نیز تعداد تماس‌های مربوط به اعلام خشونت‌های خانگی به پلیس، روند افزایشی داشته و در دوران قرنطینه به اوج خود رسیده است (Richards, Nix, Mourtgos & Adams, 2021: 585).

2. Cf. <<https://www.behzisti.ir>>.
3. Cf. <<https://www.behzisti.ir/news/27216>>.

به اوایل دهه ۹۰ بازمی‌گردد و در حال حاضر در کل کشور، ۸ مرکز دولتی و ۱۹ مرکز خصوصی به جامعه هدف خدمت‌رسانی می‌کنند. این خانه‌ها با تدبیر معقولی به صورت ناشناس و فاقد تابلو مشخص در سطح شهرها پراکنده‌اند و صرفاً مقامات سازمان بهزیستی و عندالزوم مقامات انتظامی یا قضایی از آدرس آن‌ها مطلع هستند. این خانه‌ها برای اقامت حداکثر ۱۰ زن همراه با فرزندان خردسال طراحی شده و مدت اقامت در این خانه‌ها ۴ ماه است که برای یک دوره هم قابل تمدید است.

در لایحه جدید، سیاستگذار با تعابیری مانند «مداخله فوری مددکاری...» در مواد ۲ و ۳، «اورژانس اجتماعی» در بندهای ۳ و ۶ ماده ۱۰ و «مراکز فوریت‌های اجتماعی» در بندهای چهارگانه و تبصره‌های ماده ۱۳ که در مقام بیان وظایف حمایتی سازمان بهزیستی است، به لزوم ایجاد این سازوکار و تقویت آن اشاره کرده است. بی‌تردید با توجه به وضعیت اجتماعی و اقتصادی کشور، آمار اعتیاد، بیکاری، طلاق و سایر آسیب‌های اجتماعی که زمینه‌های بروز خشونت خانگی نسبت به زنان است، تعداد خانه‌های امن اعلام‌شده به شدت ناکافی بوده و ضروری است که سازمان بهزیستی با جلب مشارکت نهادهای اجتماعی و افراد نیک‌اندیش، جامعه را به اهمیت و کارکرد این خانه‌ها در پیشگیری از تشدید آسیب ناشی از موارد خشونت خانگی متوجه سازد. موضوعی که در بند ۲ ماده ۱۳ لایحه مورد بحث بر آن تأکید شده است.

۲-۲. مداخله بر مبنای عدالت ترمیمی

گونه دیگری از مداخله پیشگیرانه و بدون توسل به سازوکار قضایی، مبتنی بر مشارکت بزه‌دیده (قربانی) و بزه‌کار (آزارگر) و همچنین سایر اطرافیان آن دو و اشخاص ثالث است. عدالت ترمیمی به‌عنوان یک فرایند مشارکتی و متعادل، در پی جبران خسارت بزه‌دیده و مسئولیت‌پذیری بزه‌کار، بدون مخاطراتی نظیر بزه‌دیدگی ثانویه است که می‌توان با بسترسازی و سیاستگذاری درست، آن را در بسیاری از پرونده‌ها به‌ویژه بزه‌دیدگی ناشی از خشونت خانگی، جایگزین عدالت کیفری نمود. روش‌های اجرای عدالت ترمیمی شامل میانجیگری، نشست‌های ترمیمی، حلقه‌های صلح و... هستند.

۱-۲-۲. میانجیگری

میانجیگری را می‌توان یکی از ابتدایی‌ترین راهکارهای عدالت ترمیمی دانست که نسبت به سایر راهکارها بیشتر مورد توجه قرار دارد. همچنین از مواردی است که در قانون آیین دادرسی کیفری ایران تحت شرایطی خاص و در مورد جرایم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ پیش‌بینی شده است. با وجود اینکه بسیاری از خشونت‌های خانگی در حال حاضر در ایران جرم‌انگاری نشده یا گزارش نمی‌شوند، اما در این موارد می‌توان آموزه‌های عدالت ترمیمی و شیوه‌های نوین حل و فصل اختلافات را به‌جای ورود به فرایند عدالت کیفری به کار گرفت. در فرایند میانجیگری، آزارگر و قربانی در یک محیط خصوصی با حضور میانجیگر به صورت رودررو با همدیگر مواجه می‌شوند. البته اگر قربانی احساس راحتی نداشته باشد تا با آزارگر روبه‌رو شود و در مورد بزه‌دیدگی‌اش صحبت کند، میانجیگری به صورت غیرمستقیم انجام می‌شود و میانجیگر با قربانی و آزارگر به صورت جداگانه ملاقات و تعامل می‌کند.

طی فرایند میانجیگری، سعی میانجیگر بر آن است که خروجی جلسه توافقی باشد تا مطلوب هر دو طرف قرار گیرد و سه امر ضروری باید رعایت شوند. امر اول اینکه آزارگر مسئولیت کارش را بپذیرد و آن را انکار نکند. امر دوم اینکه هر دو به صورت ارادی در فرایند میانجیگری شرکت کنند و ضرورت سوم هم تأمین احساس امنیت کافی برای هر دو طرف یعنی آزارگر و قربانی است (UNODC, 2006).

هرچند به کارگیری میانجیگری در پرونده‌های خشونت خانگی با انتقادهایی مثل قدرت چانه‌زنی نابرابر برای قربانی، عدم آموزش میانجیگران، ناکامی در حمایت از قربانیان و عدم مسئولیت‌پذیری آزارگران مواجه است (Zylstra, 2001: 256-258)، با این حال می‌توان تلاش‌هایی جهت کاهش معایب این شیوه از حل و فصل اختلاف انجام داد. برای مثال، غربالگری یک شیوه مناسب است و قبل از اینکه ورود به مرحله مذاکرات صورت گیرد، باید موارد اختلافی و غیرقابل بررسی جداسازی شوند. از طرف دیگر، برگزار کردن جلسات جداگانه برای قربانی و آزارگر باعث می‌شود که ترس قربانی برای بیان مطالباتش کمتر شود و بتواند داستان بزه‌دیدگی خود را با خاطری آسوده بیان کند (فرجیها و ملاپروری، ۱۳۹۷: ۱۴۹). برای آموزش میانجیگران نیز سازوکارهای نظام‌مندی لازم

است. به این منظور می‌توان از متخصصان حوزه سلامت روان مثل مشاوران و روان‌شناسان و حتی روان‌پزشکان استفاده نمود تا هدایت جلسات میانجیگری با کمترین میزان فشار روانی بر روی فرد قربانی خشونت ادامه پیدا کند.

۲-۲-۲. نشست‌های ترمیمی

در نشست‌های ترمیمی، شماری از بزه‌دیدگان و بزه‌کاران حاضر شده و راجع به تجربیات بزه‌دیدگی خود برای بزه‌کاران و آزارگرانی که علیه آنان مرتکب خشونت شده‌اند، صحبت می‌کنند. شرکت در این نشست‌ها داوطلبانه است و قرار نیست که پاسخی از بزه‌کاران و آزارگران بخواهند. در پرونده‌های خشونت خانگی، قربانیان در مورد اینکه چگونه سوءرفتارهای خشن خانگی، آنان و خانواده‌هایشان را متأثر می‌کند، صحبت خواهند کرد. طبق تحقیقات یک قاضی آمریکایی در مورد نتیجه نشست‌های ترمیمی در آمریکا، ۸۰ درصد از بزه‌دیدگان و ۵۷ درصد از بزه‌کاران، این نشست‌ها را مفید ارزیابی کرده و توصیه نمودند که این نشست‌ها در موارد خشونت خانگی مورد استفاده قرار گیرند (یکرنگی و شیروی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

نشست‌های ترمیمی در پرونده‌های خشونت خانگی باعث می‌شوند که بزه‌کاران و آزارگرانی که در نشست‌ها حضور دارند، از بُعد دیگری به مسئله نگاه کنند و تا حد زیادی با قربانیان احساس همدردی کرده و این احساس بر روی نحوه رفتار آن‌ها با همسرشان که قربانی خشونت است، تأثیر مثبتی خواهد گذاشت. در نشست‌های ترمیمی، به جای تقابل مستقیم قربانی و آزارگر از شیوه‌ای هوشمندانه استفاده می‌شود تا به صورت غیرمستقیم بر نحوه رفتار آزارگران با قربانیان اثر بگذارد.

نشست‌های ترمیمی و مداخلات مشارکتی تا حد زیادی وابسته به همکاری آزارگران نیز می‌باشند؛ چون معمولاً انتظار نمی‌رود کسانی که خود عامل خشونت هستند، تمایلی برای حضور در این نشست‌ها و گوش سپردن به آلام دیگر قربانیان داشته باشند. با این حال، تقویت حس نوع‌دوستی و برانگیخته شدن احساس همدردی ریشه‌ای عمیق دارد و می‌توان با توجه به بافت فرهنگی و باورهای غالب افراد جامعه که دست بلند کردن و اذیت و آزار زن (همسر) را از فتوت و مردانگی به دور می‌دانند، در نقد رفتاری که

مردی (شوهری) انجام داده و اثرات نامطلوب آن رفتار بر همسر وی صحبت کرد و اثرات اصلاحی آن بر سایرین را به انتظار نشست.

۲-۳. حلقه‌ها یا محافل صلح

حلقه‌ها یا محافل صلح، فرایندی مشارکتی بوده و محوریت آن‌ها بر صلح و سازش است. حلقه‌های صلح با هدف التیام‌بخشی شرایط طرفین، از طریق گرد هم آوردن آزارگر و قربانی و ملاقات چهره‌به‌چهره آن دو در حضور خانواده‌ها، دوستان و حامیان هر دو طرف و درگیر نمودن آنان برای مشارکت تشکیل می‌شوند. در حلقه‌های صلح، برای اعضای جامعه محلی، خانواده‌ها، قربانی و... فرصتی فراهم می‌شود تا اظهارنظر کنند و با پذیرش مسئولیت مشترک، به حل و فصل اختلافات و ریشه‌یابی آن‌ها بپردازند (نوربخش و والی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۰). روند اجرای حلقه به این شکل است که در این محافل، شرکت‌کنندگان به صورت دایره‌ای گرد هم می‌نشینند. حین صحبت نیز یک پر به‌عنوان نشانه اطمینان از احترام بین گوینده و شنوندگان، در دست گوینده قرار می‌گیرد و از یک فرد به فرد دیگر برای صحبت در حلقه منتقل می‌شود. در واقع فقط کسی می‌تواند صحبت کند که پر را در دست داشته باشد. دو نفر نیز برای تسهیل اداره حلقه و راهنمایی افراد حضور دارند. در نهایت نیز تصمیمات، با اجماع شرکت‌کنندگان در حلقه و احترام به ارزش‌ها و اصول حاکم بر محافل گرفته می‌شوند. در واقع می‌توان گفت که حلقه‌ها یا محافل، برای دستیابی به درک انسانی مشترک طراحی شده‌اند تا از این راه بتوانیم پاسخی کارآمد به درگیری‌ها و خشونت‌ها بدهیم. حلقه‌ها تأثیری اساسی در نحوه واکنش ما به آسیب‌ها و ایجاد نظم اجتماعی دارند. در محافل از اجبار به سمت درمان، از مسئولیت فردی به مسئولیت جمعی و از وابستگی به خوداتکایی اجتماعی می‌رویم و عدالت را برای التیام‌بخشی به کار می‌گیریم (Pranis, Stuart & Wedge, 2003: 10, 96-97). در حال حاضر، چنین نشست‌هایی به‌منظور صلح، به شکلی که بیان کردیم، در داخل ایران برگزار نمی‌شود. با این حال می‌توان بسترهایی را برای اجرای این محافل به کمک دادگستری‌ها و با همکاری قضات، وکلا و... فراهم نمود و با معرفی پرونده‌هایی که احتمال صلح در آن‌ها وجود دارد، از ورود به فرایند طولانی و بعضاً بی‌نتیجه برای قربانیان خشونت جلوگیری کرد.

بررسی مواد مختلف لایحه مورد بحث نشان می‌دهد که در اقدامات پیشگیرانه و حمایتی که منطبق موجهی برای تفکیک آن‌ها ذکر نشده، اشاره به صلح و سازش و سازوکارهای گفتگو و نشست بین آزاررسان و آزاردیده مورد توجه نیست. تنها نکته‌ای که می‌توان در لایحه به نفع عدالت ترمیمی برداشت کرد، تبصره ۱ ماده ۱ است که تأکید دارد تمامی اقدامات پیشگیرانه و حمایتی با محوریت خانواده و استواری روابط خانوادگی... و حمایت از نقش مادری او صورت گیرد. به نظر می‌رسد در سازوکارهای عدالت ترمیمی، این محوریت قابل اعمال است و با هدف استواری بنیاد خانواده، بسیاری از اقدامات مورد اشاره، امکان اجرا می‌یابند.

۳-۲. مداخله‌های اقتصادی

وابستگی اقتصادی زنان، یکی از مواردی است که می‌تواند آنان را در جامعه و محیط خانه آسیب‌پذیر نماید. وابستگی اقتصادی زنان ریشه‌ای تاریخی دارد. در جامعه سنتی، مردان در رأس هرم قدرت به‌عنوان تأمین‌کننده معاش خانواده، از اختیارات زیادی در تصمیم‌گیری برخوردار بودند و از طرف دیگر، سهم زنان در این تصمیم‌گیری‌ها محدود بود و تربیت فرزندان و ایفای نقش احساسی را در قاعده هرم قدرت برعهده داشتند (عسکری ندوشن و موسوی ندوشن، ۱۳۹۹: ۱۱۲). یکی از بهترین راه‌هایی که می‌توان به کمک آن، استقلال و امنیت زنان جامعه را فراهم نمود، تعیین تدابیری در راستای استقلال مالی و اشتغال زنان است.

فرصت‌های برابر شغلی، به‌رسمیت شناختن حقوق زنان و توجه به توانمندی‌های آنان و استفاده از ظرفیت‌های بانوان در سطوح کلان می‌تواند تصویر درست‌تری از آن‌ها در باورهای عمیق افراد جامعه بسازد. اگر دولت‌ها از بانوان توانمند در پست‌های مهم استفاده کنند و با ایجاد این فرصت برابر، توانمندی آنان را پایه‌پای مردان در معرض نمایش بگذارند، کم‌کم افراد جامعه که باورهای مبنی بر وابستگی و عدم توانایی زنان برای پذیرش مسئولیت‌های مهم دارند، تحولاتی در باورها و نحوه تفکر خود تجربه خواهند کرد. در واقع واگذار کردن بخشی از مسئولیت‌های مهم اجتماعی به زنان را می‌توان نوعی مداخله در تغییر چهره زن از موضع ضعف به موضع برابری نیز تلقی کرد.

زنان آسیب‌دیده از خشونت که آزارگر خود را ترک کرده یا قصد دارند از آزارگر خود جدا شوند، نیازمند استقلال مالی هستند تا بتوانند در جامعه حضور یابند. یکی از اقداماتی که می‌توان در این زمینه انجام داد، ارائه آموزش‌های رایگان از سوی متخصصان، خیرین و کارآفرینان داوطلب است. مراکز حمایتی نظیر سازمان بهزیستی، خانه‌های امن، اورژانس اجتماعی، کادر بیمارستانی و... می‌توانند در معرفی زنان بزه‌دیده‌ای که برای ایجاد اشتغال و کسب استقلال مالی، نیاز به مهارت‌آموزی دارند، نقش مؤثری ایفا کنند. از طرف دیگر، این مراکز و افراد مداخله‌گر می‌توانند دوره‌های مهارت‌آموزی رایگان و شرایط شرکت در آن‌ها را نیز به بزه‌دیدگان توضیح دهند و آن‌ها را به شرکت در این دوره‌ها تشویق کنند.

بررسی مواد لایحه جدید حاکی از آن است که سیاستگذار در ماده ۳ در بیان تدابیر حمایتی که لازم است از طرف حاکمیت انجام شود، به توانمندسازی و حمایت اقتصادی زنان نیم‌نگاهی دارد. علاوه بر این، در پرداخت دیه زنان بزه‌دیده که فرد آزارگر ادعای اعسار می‌کند، پرداخت خسارت از صندوق خسارت‌های بدنی تمهید شده است. همچنین ارائه آموزش فنی و حرفه‌ای رایگان به زنان فاقد تمکن مالی (بند ۲ ماده ۱۲)، توانمندسازی خانواده‌های زن سرپرست یا بدسرپرست (بند ۴ ماده ۱۲) و درمان رایگان زنان آسیب‌دیده دارای فوریت پزشکی فاقد تمکن مالی (بند ۵ ماده ۱۱)، نمونه‌های دیگری از حمایت اقتصادی از زنان آسیب‌دیده است که می‌تواند از استمرار بزه‌دیدگی یا تحمیل شرایط ناخواسته بر آن‌ها به جهت نیاز اقتصادی پیشگیری کند. شایان ذکر اینکه برابر تجربه‌های مشابه، به جهت اینکه محل تأمین اعتبار این خدمات به روشنی مشخص نشده و انتظار سیاستگذار این است که دستگاه‌های اجرایی و خدماتی از سرجمع اعتبارات خود، این تکالیف جدید را انجام دهند، معمولاً این حمایت‌ها بر روی کاغذ باقی می‌مانند.

۲-۴. مداخله فرهنگی

یکی از معضلاتی که در بحث خشونت علیه زنان با آن مواجهیم، باورهای مردسالاری هستند که خشونت مردانه را امری عادی و مجاز تلقی می‌کنند و معتقد به سلطه و ریاست مردان بر زنان هستند. باورهای مردسالار محدود به جغرافیای خاصی نیستند و باور فرمانبرداری زنان در سطح جهانی، زمینه‌های ظهور خشونت علیه آنان را رقم می‌زند

(سیلوستری^۱ و کراوتردوی،^۲ ۱۳۹۸). یکی از راه‌های جایگزین کردن اندیشه‌های مبتنی بر کرامت زنان با باورهای مردسالارانه، مداخله فرهنگی از طریق آموزش است. الگوهای رفتاری مبتنی بر حرمت نهادن به انسان فارغ از جنسیت باید از سنین پایین در خانواده و پس از آن در فضاهای آموزشی مثل مدرسه، به کودکان آموزش داده شود. این آمادگی ذهنی باعث اصلاح تصویر کودکان از زنان خواهد شد و آینده‌ای توسط این نسل ساخته می‌شود که سلطه‌پذیری زنان در آن جایگاهی نخواهد داشت.

از دیگر مداخله‌های فرهنگی می‌توان به برنامه‌هایی در فضای عمومی با محوریت رفتارهای کرامت‌مدار بین جنس زن و مرد و توانمندسازی زنان اشاره نمود. انجام این برنامه‌ها محدود به فضای دانشگاهی نیست و سازمان‌های مختلف می‌توانند نسبت به تدارک دیدن چنین برنامه‌هایی اقدام نمایند. رسانه از دیگر ابزارهای مؤثر در مداخلات فرهنگی پیرامون پیشگیری از خشونت علیه زنان است.

رسانه‌ها می‌توانند برنامه‌هایی را طرح‌ریزی کنند که در آن، گزارش‌دهی خشونت ترویج و آموزش داده شود. همچنین تلاش برای نشان دادن کرامت زن، مسئولیت‌پذیری و ایده‌های مبتنی بر عدالت و از بین بردن تصاویر منفی زنان و دختران، از گام‌های فرهنگی است که رسانه در راستای حمایت از بزه‌دیدگان بالقوه و بالفعل خشونت می‌تواند بردارد (Hester & Lilley, 2014: 22-23). به نظر می‌رسد همان‌گونه که باورهای غلط نسبت به سلطه و برتری مرد بر زن و امکان سوءاستفاده از این موقعیت برتر حتی از طریق اعمال خشونت فیزیکی، به صورت تدریجی و از طریق ادبیات و شعر و ضرب‌المثل و حتی مذهب در ذهن‌ها رسوخ کرده، رسانه و فرهنگ به مرور زمان می‌تواند ارزش‌های متفاوتی خلق کند و افراد جامعه با ادبیات و آیین و مذهب در خانواده و محیط اجتماعی و سیاسی، رفتار کرامت‌مدار با زنان را درونی ساخته و در رفتار خود بروز دهند. در ماده ۹ لایحه جدید که تکالیف وزارت ارشاد در حمایت از زنان و پیشگیری از سوءرفتار با آنان را مطرح کرده، ترویج فرهنگ تکریم زنان، ممنوعیت صدور مجوز برای آثاری که استفاده ابزاری از زن صورت گرفته، ارتقای فرهنگ عمومی و مواردی از این دست

1. Silvestri.

2. Crowther-Dowey.

مورد نظر قرار گرفته است که البته میان تکلیف قانونی تا رسوخ فرهنگی و تبلور در رفتار تابعان قانون، فرسنگ‌ها فاصله است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

خشونت خانگی، مخاطرات زیادی برای قربانیان به دنبال دارد. رفتارهای خطرناک مثل خودکشی یا شبه خودکشی، خشونت / سوءرفتار فیزیکی، روانی و جنسی، خطرات جدی هستند که آن‌ها را تهدید می‌کنند. فرزندان رشدیافته در این خانواده‌ها نیز در کنار خطرات جسمانی و روانی، تحت تأثیر باورهای مردسالارانه قرار گرفته و وارث این خشونت میان‌نسلی خواهند شد. فرضیه پژوهش این بود که با توجه به ناکارآمدی توسل به سیستم عدالت کیفری در مقابله با خشونت خانگی، می‌توان با توسل به مداخله‌های حمایتی و پیشگیرانه، از مخاطرات جدی خشونت خانگی و مبتنی بر جنسیت کاست. ظرفیت‌های پیشگیرانه و حمایتی علی‌رغم نقاط ضعفی که دارند و انتقاداتی که ممکن است بر برخی از آن‌ها وارد باشد، با تمرکز بر روی قربانی و حمایت او، از میزان و شدت مخاطرات تهدیدکننده تن و روان قربانی کاسته و با برنامه‌های مبتنی بر توانمندسازی، او را از موضع ضعف خارج می‌کنند. در این راستا، مداخله‌های حمایتی مثل استفاده از خانه‌های امن با افزایش ظرفیت‌ها و به‌کارگیری یک پنجره واحد خدمات هوشمند برای امداد به قربانیان می‌تواند کارآمدی در این حوزه را افزایش دهد. مداخلات مشارکتی مبتنی بر عدالت ترمیمی نیز نیازمند بسترسازی‌های مختلف در جامعه هستند. علاوه بر فراهم‌سازی بسترهای اجرایی عدالت ترمیمی، باید فرهنگ توسل به این راهکارها به‌عنوان جایگزین سیستم عدالت کیفری و حل و فصل اختلافات به شیوه‌های سنتی مبتنی بر انتقام و کینه‌جویی، به کمک نهادهای فرهنگی در میان مردم ریشه پیدا کند. بنابراین باید از بسترهای آموزشی، رسانه و... نیز برای برداشتن گام‌های فرهنگی کمک گرفته شود. از دیگر راهکارهای مقابله با خشونت‌های خانگی علیه زنان و کاهش مخاطرات آن، مداخلات اقتصادی در راستای توانمندسازی زنان در سطح جامعه و اصلاح تصویر زن از یک فرد تحت سلطه و وابسته به یک فرد مستقل و توانمند است. در این راستا با فراهم آوردن فرصت‌های شغلی و امکان مهارت‌آموزی رایگان و در نهایت

حمایت‌های مالی از جانب بانک‌ها، مؤسسات و... می‌توان شرایط استقلال مالی قربانیان را فراهم آورد. با بررسی مواد لایحه جدیدی که سیاستگذار ایران یک دهه است در حال تدوین و تصویب آن می‌باشد، می‌توان گفت تقدم اقدامات حمایتی و پیشگیرانه بر اقدامات بازدارنده کیفری، نقطه مثبت این لایحه است و امید است با رفع نقاط ضعف و توجه بیشتر به دیدگاه‌های متخصصان و تجارب بین‌المللی و همراهی با موازین حقوق بشر بین‌المللی در مورد زنان، قانون منسجم و قابل اجرایی برای پیشگیری از مخاطرات مبتنی بر جنسیت و حمایت از زنان در ایران تصویب شود.

با توجه به مسئله اصلی و یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود:

- ۱- سامانه‌های مداخله فوری مانند سامانه‌های هوشمند درخواست کمک اضطراری و خانه‌های امن متناسب با وضعیت آسیب‌های اجتماعی با جلب مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد و ظرفیت خیرین و وقف در شهرها و مناطق پرجمعیت گسترش و توسعه یافته و بدون پرده‌پوشی و ممیزی، گزارش‌دهی دوره‌ای در مورد میزان، کیفیت و گونه‌های خشونت در دستور کار قرار گیرد. در این زمینه لازم است در لایحه از درج احکام تکلیفی دستگاه‌های اجرایی بدون مشخص کردن اعتبار مالی و محل تأمین آن اجتناب شود.
- ۲- به دلیل فقر مطالعات میدانی در حوزه آسیب‌های اجتماعی و از جمله خشونت خانگی، از طریق سازوکار شورای عالی پیشگیری از جرم، ضمن تأمین اعتبار لازم، کلیه دستگاه‌های دولتی و غیردولتی به همکاری با پژوهشگران این حوزه و اجازه دسترسی به اطلاعات مربوط به حوزه خشونت خانگی موظف شوند.
- ۳- برای بهره‌مندی از ظرفیت کانون‌های وکلا، سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه‌ها جهت مشارکت در برنامه‌های حمایتی و از جمله تعاملات مبتنی بر سازش و عدالت ترمیمی و بسترسازی جهت اجرای آن، لازم است در ارکان تصمیم‌گیری و شوراهای عالی از جمله شورای عالی پیشگیری از جرم و پنجره واحد ارائه خدمات... از این سازمان‌ها هم دعوت، و امکانات و همدلی مناسب جهت اجرای پیشنهادات آن‌ها فراهم شود.
- ۴- با توجه به ناکارآمدی ساختارهای موجود در حمایت و پیشگیری از سوءرفتار و خشونت علیه زنان، ایجاد پنجره واحد ارائه خدمات اضطراری، حمایتی و پیشگیرانه، با تأمین اعتبار لازم و قابلیت ارزیابی و گزارش‌دهی دوره‌ای در اولویت قرار گیرد.

کتاب‌شناسی

۱. آذری، هاجر، و زهرا بابازاده، «حمایت از زنان بزه‌دیدهٔ خشونت جنسی خانگی در نظام عدالت کیفری ایران»، *دوفصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، سال چهل و نهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ ش.
۲. آقابابایی، حسین، و ریحانه موسوی، «پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان از منظر آموزه‌های اسلامی و چالش‌های فرارو»، *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، سال نهم، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ ش.
۳. باهری، بنفشه، مرجان ضیایی، و شراره ضیغمی محمدی، «تأثیر خشونت‌های خانگی در مادران باردار بر پیامد حاملگی در مراجعین به مراکز درمانی شهر کرج»، *فصلنامه حکسیم*، سال پانزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۱ ش.
۴. جعفری، سیده‌زهرا؛ و فاطمه پروین، «مروری بر انواع خشونت علیه زنان در ایران در بین سال‌های ۱۳۹۹ الی ۱۴۰۰»، *مجله پرستاری و مامایی*، سال بیستم، شماره ۴ (پیاپی ۱۵۳)، تیر ۱۴۰۱ ش.
۵. حسینی، سیدمحمد، و مسعود مصطفی‌پور، «رقم سیاه، چالشی فراروی آمار جنایی رسمی (با رویکردی تطبیقی بر آمریکا و ایران)»، *دوفصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی*، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶ ش.
۶. خسروی، زهره، و میترا خاقانی‌فرد، «بررسی رابطه همسرآزاری با تمایل به افکار خودکشی و آسیب‌رسانی به همسر در زنان شهر تهران»، *فصلنامه مطالعات زنان*، سال دوم، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۳ ش.
۷. رحمتی‌فر، سمانه، «حمایت حقوقی از زنان در برابر خشونت خانگی»، *دوفصلنامه بین‌المللی حقوق بشر*، سال هفدهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۳)، بهار و تابستان ۱۴۰۱ ش.
۸. رضایی، آرمیدخت، زهرا خدادادی، و لیلا میرمحمدی، «رابطهٔ بین افکار ناکارآمد و تمایل به افکار خودکشی در همسران آزاردیده»، *فصلنامه جامعه‌شناسی زنان سابق (زن و جامعه)*، سال دوم، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۰ ش.
۹. رضوانی، سودابه، اعظم مهدوی‌پور، و عبدالمتین منیب، «خشونت جنسی علیه زنان در نظام تقنینی ایران و افغانستان: از به ستوه‌آوری جنسی تا تجاوز»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، سال بیست و سوم، شماره ۹۱، پاییز ۱۳۹۹ ش.
۱۰. رضوانی، سودابه، و مریم غنی‌زاده بافقی، «خانه‌های امن به مثابهٔ درمانگاه زنان خشونت‌دیدهٔ خانگی»، *مجله حقوقی دادگستری*، سال هشتاد و سوم، شماره ۱۰۶، تابستان ۱۳۹۸ ش.
۱۱. زراعت‌پیشه، رؤیا، عباس شیری ورنامخواستی، علی حسین نجفی ابرندآبادی، و فیروز محمودی جانکی، «کلیشه‌های جنسیتی مؤثر بر وقوع تجاوز جنسی در مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، سال نهم، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۹۹ ش.
۱۲. سیلوستری، ماریسا، و کریس کراوتردای، جنسیت و جرم، ترجمه حسین آقابابایی و سکینه خانعلی‌پور واجارگاه، گیلان، دانشگاه گیلان، ۱۳۹۸ ش.
۱۳. شمسی، محسن، و اکرم بیاتی، «فراوانی خشونت خانگی بر زنان باردار شهر اراک (۱۳۸۹)»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان*، سال سیزدهم، شماره ۴ (پیاپی ۴۰)، زمستان ۱۳۹۰ ش.
۱۴. صادقی، رسول، مریم ویژه، و نسیمه زنجری، «عوامل مرتبط با خشونت خانگی علیه زنان در تهران»، *فصلنامه پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۹۶ ش.
۱۵. عسکری ندوشن، سمیه، و فاطمه‌سادات موسوی ندوشن، «اشتغال زنان و قدرت تصمیم‌گیری در

- خانواده: مطالعه تطبیقی زنان شاغل و غیرشاغل شهر یزد»، *دوفصلنامه مطالعات پلیس زن*، سال چهاردهم، شماره ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۹۹ ش.
۱۶. غلامی، حسین، و مهری برزگر، «پیش‌بینی خشونت خانگی علیه زنان و راهکارهای اتخاذی بر مبنای آن»، *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال چهاردهم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ ش.
۱۷. فرجیها، محمد، و مهرناز ملاپوری، «موقعیت زنان بزه‌دیده خشونت خانوادگی در فرایندهای میانجیگری سنتی»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، سال بیست و یکم، شماره ۸۲، تابستان ۱۳۹۷ ش.
۱۸. فیشر، بونی اس.، استیون پی. لب، *دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم*، ترجمه اساتید حقوق کیفری و جرم‌شناسی سراسر کشور، تهران، میزان، زمستان ۱۳۹۳ ش.
۱۹. قاضی‌نژاد، مریم، و ماریا عباسیان، «مطالعه کیفی عوامل اجتماعی همسرکشی»، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، سال نهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰ ش.
۲۰. کردی، راهله، فرخنده جمشیدی، فریبا لیمویی، و سیدفرزاد حسینی بهبهانی، «ارزیابی علل همسرآزاری در مراجعین به سازمان پزشکی قانونی خوزستان بین سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۶»، *مجله علمی پزشکی جنیدی شاپور*، سال هجدهم، شماره ۱ (پیاپی ۱۱۸)، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸ ش.
۲۱. گلمکانی، ناهید، و الهام آزموده، «خشونت خانگی در بارداری، پیامدها و راهکارها»، *مجله زنان، مامایی و نازایی ایران*، سال پانزدهم، شماره ۴۲، اسفند ۱۳۹۱ ش.
۲۲. میرکمالی، علیرضا، و محمدعلی خادم‌الفقرا، «راهکارهای دستیابی به بزه کاری واقعی»، *دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش.
۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (زیر نظر)، *دایرةالمعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)*، تهران، میزان، ۱۳۹۲-۱۴۰۰ ش.
۲۴. نوربخش، سیدمحمدامین، و سیده سمیه والی‌زاده، «جرم‌شناسی عدالت ترمیمی»، مقاله در کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی، ۱۳۹۶ ش.
۲۵. ولش، براندون سی.، و دیوید پی. فارینگتون، *دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد*، برگردان فارسی گروهی از پژوهشگران حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تهران، میزان، ۱۳۹۴ ش.
۲۶. یکرنگی، محمد، و مهسا شیروی، «عدالت ترمیمی؛ واکنشی مناسب در حمایت از آسیب‌های روانی و جسمانی زنان بزه‌دیده خشونت خانگی»، *فصلنامه حقوق پزشکی*، سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۹۰ ش.
27. Bayat, Shirin & Shahla Moazami, "Criminal Retreat in Support of Women Victims," *The Journal of Human Rights*, Vol. 16(2), 2022.
28. Hester, Marianne & Sarah-Jane Lilley, "Preventing Violence Against Women: Article 12 of the Istanbul Convention; A collection of papers on the Council of Europe Convention on preventing and combating violence against women and domestic violence," Council of Europe, 2014.
29. Pranis, Kay & Barry Stuart & Mark Wedge, *Peacemaking Circles: From Crime to Community*, Minnesota, Saint Paul, Living Justice Press, 2003.
30. Richards, Tara N. & Justin Nix & Scott M. Mourtgos & Ian T. Adams, "Comparing 911 and Emergency Hotline Calls for Domestic Violence in Seven Cities: What

Happened When People Started Staying Home Due to Covid-19?," *Criminology & Public Policy*, Vol. 20(3), 2021.

31. UN General Assembly, "Declaration on the Elimination of Violence against Women," 20 December 1993, <<https://www.refworld.org/docid/3b00f25d2c.html>>.
32. United Nations, *Handbook for Legislation on Violence against Women*, 2010.
33. UNODC, *Handbook on Restorative Justice Programmes*, Criminal Justice Handbook Series, United Nations, 2006.
34. UNODC, "Killing of women and girls by their intimate partner or other family members (Global estimates 2020)," UNODC Research, 2021.
35. Walby, Sylvia, Jude Towers, Susan Balderston, Consuelo Corradi, Brian Francis, Markku Heiskanen, Karin Helweg-Larsen, Lut Mergaert, Phillipa Olive, Emma Palmer, Heidi Stöckl & Sofia Strid, *The concept and measurement of violence against women and men*, 1st Ed., Bristol University Press, 2017.
36. WHO, "Understanding and addressing violence against women: Sexual violence," 2016.
37. WHO, "Violence against women prevalence estimates, 2018: Global, regional and national prevalence estimates for intimate partner violence against women and global and regional prevalence estimates for non-partner sexual violence against women," Geneva, World Health Organization, 2021.
38. World Population Review, "Domestic Violence by State 2023," <<https://worldpopulationreview.com/state-rankings/domestic-violence-by-state>>.
39. Zylstra, Alexandria, "Mediation and Domestic Violence: A Practical Screening Method for Mediators and Mediation Program Administrators," *Journal of Dispute Resolution*, Vol. 2001(2), 2001.